

سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ شهروندی

یعقوب احمدی* ، سالار مرادی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۶

چکیده

در سالیان اخیر و با رشد اینترنت و فناوری‌های اجتماعی آنلاین، پرسش‌های متعددی در رابطه با نوع، شدت، کیفیت و وسعت فعالیت‌های مدنی در جهان مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی مطرح شده است. این نوشتار با توجه به اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی آنلاین در انتخابات‌های اخیر از ۱۳۸۸ به این سو و رویدادهای پس از آن، درصد ارزیابی اثر سرمایه اجتماعی موجود در شبکه‌های آنلاین بر فرهنگ شهروندی شهروندان شهر سمنان برآمده است. این پژوهش به روش توصیفی از نوع همبستگی و با کاربرد پیمایش انجام پذیرفته است. پرسشنامه مرکب از پرسش‌های استاندارد دیمیتری ویلیامز و پرسشنامه محقق ساخته برای فرهنگ شهروندی بوده است که مبتنی بر اعتبار و پایایی مناسب و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در میان ۴۰۰ نفر از پاسخگویان توزیع گردید. یافته‌ها حاکی از سطح متوسط میانگین فرهنگ شهروندی و توجه بیشتر به مشارکت مدنی بوده است. در میان مولفه‌های مشارکت مدنی، ابعاد نگرشی و باوری بیش از مولفه‌های حوزه رفتاری یا عملی مورد توجه شهروندان بوده است. نتایج استنباطی نیز حاکی از آن است که مهمترین بعد سرمایه اجتماعی اثرگذار بر فرهنگ شهروندی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی موجود در فضای مجازی بوده است.

واژگان کلیدی: سرمایه، سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، فرهنگ، فرهنگ شهروندی

yahmady2001@yahoo.com
s.moradi@pnu.ac.ir

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، (نویسنده مسئول).
** استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور.

طرح مسأله

ژیژک (۲۰۱۳) معتقد است نظام‌های دموکراتیک غربی در مقابله با بحران‌های اقتصادی ناکارآمدتر از کشورهای اقتدارگرا هستند. نمونه مورد نظر او کشور چین است. البته این به معنای دفاع از اقتدارگرایی نیست، بلکه جستجو برای یافتن آلترناتیوی برای دموکراسی کنونی و صورت بهتر آن است. ژیزک نیز همچون آنتونیو نگری و نئومارکسیست‌های دیگر باور به تغییراتی در دنیای سرمایه‌داری و نظام دموکراسی دارد. طرح چنین موضوعی از سوی ژیزک به آن معناست که جوامع معاصر با مسائل حل‌نشده متعددی دست به گریبان‌اند. در این راستا، عمده اعتراضات درباره افزایش خودمحوری و انزوای اجتماعی، کاهش حس همبستگی و تعلق اجتماعی، کناره‌گیری عامه مردم از حوزه سیاست به اصطلاح "کثیف"، رشد جرائم خردسالان و نوجوانان، کاهش مشارکت اجتماعی و سیاسی و... بوده است.

به نظر می‌رسد که توافق گسترده‌ای در میان متفکران وجود دارد مبنی بر این که احیای مشارکت مدنی و شهروندی می‌تواند نواقص و کمبودهای مذکور در جوامع معاصر را جبران کرده و به تقلیل مسائل عمده در این جوامع کمک کند. بر این اساس و در سال‌های اخیر، زمان و انرژی بسیاری از متفکران برای بحث در مورد دو مسأله مهم صرف شده است: نخست، بحث درباره حقوق اقلیت‌های قومی در جوامع چند قومی که به‌عنوان چند فرهنگ‌گرایی و سیاست به رسمیت شناختن مورد اشاره قرار می‌گیرد. و دوم مسئولیت‌های شهروند دموکراتیک که تا اندازه‌ای به‌عنوان فضیلت مدنی یا فرهنگ شهروندی معرفی می‌گردد (Volp, 2007: 575). به‌تازگی، شهروندی در کانون توجه نظریات جامعه‌شناختی و علوم سیاسی قرار گرفته است. شکست توافقات پس از جنگ جهانی دوم و ظهور نگرش‌های جدید خارجی ستیزی در کشورهای غربی پرسش‌هایی جدی‌تری در رابطه با بحث شهروندی و فرهنگ شهروند به همراه آورده است (لئا، ۲۰۱۱). به باور بسیاری از متفکران، شهروندی نمایانگر میراث سیاسی عصر روشنگری است (Ivich, 2016: 13) و چارچوبی است برای دموکراسی سیاسی و استقلال شخصی و همچنین سنت فکری و سیاسی‌ای است که عصر مدرن را با دوران باستان پیوند می‌دهد (همان، ۲۰۱۱: ۲-۵). مهم‌ترین حوزه

سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ ... ۱۰۳

شهروندی با توجه به تحولات چند دهه اخیر، اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه شهروندی بوده است. فرهنگ شهروندی ناظر به مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی همچون مساوات‌طلبی، آزادی، فردگرایی، مردم‌سالاری و مسئولیت‌پذیری مدنی شهروندان است. از نظر فالکس (۱۳۸۱: ۵۹-۶۰) رعایت فرهنگ شهروندی در افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتماد‌پذیری و تعهد مدنی مؤثر است، زیرا تعهد مدنی بر توازن بین نفع فردی و جمعی استوار است (فکوهی، ۱۳۹۵).

در واقع، فرهنگ شهروندی ایده‌ای است که بر اساس درک جدید از شهروندی مبتنی بر زندگی روزمره افراد قرار دارد که از مدل‌های سنتی شهروندی فراتر می‌رود. ویلیام گالستون^۱ (۱۹۹۱) از جمله متفکرانی است که با توجه به ایده "شهروند مسئول" به چهار فضیلت شهروندی یعنی فضایل عمومی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی^۲ اشاره نموده و بر اهمیت فرهنگ شهروندی و فضایل شهروندی تأکید می‌ورزد. به باور گالستون برای ایجاد جامعه و دولتی کارآمد، پیوند میان شهروندی و فرهنگ و برجسته شدن نمودهای آن در فضیلت‌های شهروندی اهمیت خاصی دارد. در این راستا، گالستون بر فضایی مانند وفاداری، ابراز وجود، اخلاق کاری و احترام به حقوق دیگری و... به‌عنوان پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری جامعه باز مبتنی بر برابری و یکسانی تأکید می‌کند (Volp, 2007: 577). به‌عبارت‌دیگر سهم دانستن خود در سرنوشت جمعی و ملاحظه خیر جمعی برای منافع کشور یا بهبود جامعه، معرف تعهد مدنی و فرهنگ شهروندی است. در این زمینه و در تلاش برای شناسایی و تثبیت جامعه و سیاستی سالم‌تر، کارآمدتر و البته مشارکتی‌تر مبتنی بر فرهنگ شهروندی، محققان و متفکران بر اثرات مثبت سرمایه اجتماعی و ارزش‌های حاصل از منابع موجود در پیوندهای اجتماعی با سایرین که توصیف‌کننده ساختار و فرصت‌های کنش در اجتماعات مختلف است (لین، ۲۰۰۸)، تأکید کرده‌اند. به باور پاتنام و سایر محققان سرمایه اجتماعی، حجم وافر از سرمایه اجتماعی به تشکیل جامعه مدنی فشرده خواهد انجامید که همگان آن را شرط لازم برای رشد چارچوب‌ها و قواعد دموکراتیک مدرن فرض کرده‌اند (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۱۷۸). بنابراین، چنین نتیجه گرفته

1. William Galston

2. General; Social; Economic and Political Virtues

شد که وجود سرمایه اجتماعی بالا چه در سطح نگرشی و ارزشی و چه در سطح عینی و ساختاری، اساس و بنیادهای جامعه‌ای را پی می‌ریزد که بیشترین قرابت نظری و عملی را با سیستم‌های دموکراتیک و قواعد اجتماعی و فرهنگی آن دارد. در واقع، "گسترش هرچه بیشتر سرمایه اجتماعی و نهادها و سازمان‌های غیردولتی و هنجارها و شبکه‌های مرتبط با آن در حقیقت پرورش شیوه زیست یا خلق‌وخوبی دموکراتیک است که هگل از آن به‌عنوان «زندگانی اخلاقی»^۱ یا شکل خاصی از فرهنگ یا حیات اجتماعی یاد می‌کند" (مدیسون، ۱۳۷۸: ۲۵). و حتی فراتر از آن، سرمایه اجتماعی موجد جامعه سالم‌تر، ایمن‌تر، ثروتمندتر و قواعد دموکراتیک و فرهنگ شهروندی متناسب و پایدار تشخیص داده شد" (Putnam, 2000: 290).

رشد رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی مجازی در چند سال اخیر، بحث‌ها درباره تنوع و تکثر سرمایه اجتماعی، به‌ویژه سرمایه‌های اجتماعی موجود در شبکه‌های مجازی و اثرات آن بر حوزه‌های مختلف اجتماعی را پرشور نموده است. در واقع حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی به رشد گونه‌ای از سرمایه اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی انجامیده است که متفکران از آن به‌عنوان سرمایه اجتماعی آنلاین^۲ نام می‌برند و از اثرات مثبت آن به‌ویژه در حوزه‌های رفتار مدنی و سیاسی سخن گفته‌اند. از این منظر بر شیوه‌های جدید برای پیوند با سیاست از طریق دریافت و توزیع اخبار (بارتل، شارر، گاتفرید و میشل، ۲۰۱۵)، شرکت در مباحث سیاسی در فضای مجازی (بارنیچ، ۲۰۱۵؛ والنزوللا، ۲۰۱۳) یا مشارکت در بسیج آنلاین یا آفلاین (باد، ۲۰۱۲) به‌عنوان اثر شکل آنلاین سرمایه اجتماعی بر فعالیت مدنی تأکید شده است.

علاوه بر آن، در ایران نیز موضوع و مسأله فرهنگ شهروندی و عناصر کلیدی آن همواره در طول یکصد سال اخیر مورد توجه متفکران علوم اجتماعی، سیاستمداران و سیاست‌گذاران بوده است. در این راستا، مسائل عمده اجتماعی از جمله تخریب محیط‌زیست، چالش‌ها در ترافیک، عدم رعایت حقوق دیگری و به‌طورکلی توسعه‌نیافتگی جامعه ایران در راستای نبود و عدم توجه به فضایل شهروندی یا فرهنگ شهروندی تشریح

1. Sittlichkeit
2. Online Social Capital

سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ ... ۱۰۵

و تبیین می‌گردد. کردستان ایران، علیرغم وجود بافت متفاوت فرهنگی-قومی با جامعه ایرانی دارای وجوه همپوشان و هماهنگ با جامعه ایرانی در حوزه‌های سیاسی و مدنی بوده است. اما، باور به تلقی کردها به‌عنوان شهروندان درجه دوم و سوم از سوی مردم، متفکران و حتی نمایندگان (برای مثال، نطق نمایندگان کرد در مجلس، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۳)، بحث شهروندی و فرهنگ شهروندی در جامعه کردستان ایران را دچار پیچیدگی‌های خاصی نموده است، به‌نحوی که به نظر می‌رسد جامعه کردستان در ایران و به‌ویژه شهر سنندج عمدتاً بر حقوق تأکید می‌کنند تا تعهدات. علاوه بر آن، کردستان ایران به‌طور کلی و شهر سنندج به‌طور خاص در سطوح پایین توسعه‌یافتگی اقتصادی و انسانی قرار دارند و این مهم مسائل عدیده‌ای در این مناطق به همراه آورده است و از این زاویه نیز به نظر می‌رسد که مسأله شهروندی و فرهنگ شهروندی در سنندج از نمود و البته پیچیدگی خاصی برخوردار باشد. همچنین، پایین بودن آگاهی شهروندان چه در ایران و چه در کردستان، به حوزه شهروندی و فرهنگ شهروندی از جمله مسائلی است که جامعه ایران از آن به صورت جدی رنج می‌برد. با توجه به تفصیل یادشده، مطالعه حاضر در گام نخست درصدد ارزیابی وضعیت شهروندی و فرهنگ شهروندی و فضایل مدنی شهروندان سنندجی بوده و سپس درصدد شناسایی اثر سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک کل و انواع و ابعاد آن (سرمایه اجتماعی آفلاین و آنلاین) بر وضعیت فرهنگ شهروندی است.

پیشینه تحقیق

در ایران تحقیقات متفاوتی در مورد مفهوم شهروندی و فرهنگ شهروندی صورت گرفته است (شیانی، ۱۳۸۴، ۱۳۸۱، توسلی و نجات حسینی، ۱۳۸۳، لطف‌آبادی، ۱۳۸۵ و صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷).

فتحی و ثابتی (۱۳۹۱) فرهنگ شهروندی را در راستای توسعه ساختار شهری مورد بررسی قرار می‌دهند. در این مطالعه فرهنگ شهروندی مبتنی بر مقولاتی مانند مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قانون سنجش شده است. نتایج تجربی این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان تهرانی در ابعاد سه‌گانه شهروندی یعنی

مشارکت‌جویی، مسؤلیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت پایبندی به اصول شهروندی در حد متوسط هستند.

گنجی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای در حوزه فرهنگ شهروندی و آموزش‌های شهروندی، توجه به فرهنگ شهروندی و آموزش آن به‌عنوان رویکردی نوین در بیش‌تر کشورهای توسعه‌یافته تلقی کرده و نتایج مؤثر آن در توسعه پایدار، رفاه و پیشرفت‌های فرهنگی و اجتماعی را عامل ضروری توجه به این مفهوم و آموزش آن قلمداد کرده‌اند. محققان فرهنگ شهروندی را با ابعاد چگونگی مسؤلیت‌پذیری، مشارکت‌جویی و رعایت قوانین و مقررات سنجش نموده‌اند و این نتیجه رسیده‌اند که آموزش شهروندی اهمیت خاصی برای پایبندی به فرهنگ شهروندی داشته است. به‌عبارت‌دیگر، مؤلفان برآنند که آموزش‌ها به‌ویژه آموزش مسؤلیت‌پذیری می‌تواند در افزایش میزان پایبندی مردم به فرهنگ شهروندی نقش بسزایی داشته باشد.

همتی و احمدی (۱۳۹۳) در مطالعه تبیین جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن، هشت مؤلفه مدارای اجتماعی، مشارکت‌جویی، انجام رفتارهای مدنی، اعتماد بین شخصی، عام‌گرایی، مسؤلیت‌پذیری، نوع‌دوستی و گرایش به پیروی از قانون را برای سنجش این مفهوم در نظر گرفته‌اند. محققان بر آن بودند که باورهای مذهبی اثر مثبت و احساس آنومی اثر منفی بر شاخص ترکیبی فرهنگ شهروندی داشته است.

چانگ ژاگ (۲۰۱۶) در مطالعه پیامدهای فرهنگ شهروندی برای آموزش شهروندی در میان دانشجویان چینی بر دو مقوله دانش مدنی و مشارکت مدنی و تأثیر رسانه بر این دو زیرمجموعه فرهنگ شهروندی تأکید دارد. ژانگ بر آن است که رسانه‌ها می‌توانند اثر قابل‌ملاحظه‌ای بر افزایش دانش مدنی و مشارکت مدنی افراد داشته باشند و از این میان اثر تلویزیون، شبکه‌های اجتماعی و فیلم‌ها بیش از سایر موارد بوده است.

سانیا ایویچ (۲۰۱۶) در مطالعه فرهنگ شهروندی از زاویه پست مدرنیسم عقیده دارد که فرهنگ شهروندی در دوره معاصر مؤلفه‌ها و عناصری دارد که از مؤلفه‌های دوره مدرن کاملاً متفاوت است. این فرهنگ فهم رایج از دموکراسی را مورد تردید قرار داده و نوع

سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ ... ۱۰۷

تازه‌ای از فعالیت سیاسی را ترویج می‌کند. به باور او فرهنگ شهروندی پست‌مدرن مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها و وظایف شهروندان در پاسخ به چالش‌ها و مسائل مختلف است، بدون توجه و تأکید بر حمایت‌های دولتی.

جسیکا فرناندز (۲۰۱۵) در مطالعه فرهنگ شهروندی جوانان در امریکای لاتین به این نتیجه رسید که فرایند رعایت فرهنگ شهروندی پیوستاری از عضویت مبتنی بر هویت تا تقاضای حقوق و انجام مسئولیت‌ها را شامل می‌گردد.

جین بیمان (۲۰۱۳) در مطالعه فرهنگ شهروندی، مهاجرت و طبقه متوسط در فرانسه بر آن است که قومیت و نژاد همچنان اثر ماندگار و مهمی بر فرهنگ شهروندی مهاجران فرانسوی دارند. او همچنین بر اهمیت وضعیت اجتماعی-اقتصادی مهاجران بر میزان رعایت فرهنگ شهروندی تأکید می‌نماید. علاوه بر مطالعات فوق، مطالعه درباره اثر شبکه‌های اجتماعی آنلاین بر فعالیت مدنی نتایج و بصیرت‌های نامنسجم و پراکنده‌ای ایجاد کرده است. نخستین تلاش‌ها در رابطه با پیوند سرمایه اجتماعی و فضای مجازی درصدد ایجاد مقیاس برای سنجش سرمایه اجتماعی در فضای مجازی بوده‌اند.

هایتورن ویت (۲۰۰۲)، همپتون (۲۰۰۳) و پینکت (۲۰۰۳) از نخستین کسانی بوده‌اند که بر اهمیت پیوندهای ضعیف و تقویت آن در فضای مجازی تأکید می‌کند. او عنوان می‌کند که تکنولوژی‌های ارتباطی جدید مانند اینترنت به‌طور ذاتی برای ایجاد و حفظ "شبکه‌های پیوندهای ضعیف"^۱ مفید هستند. در همین زمینه، دیمیتری ویلیامز (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای در راستای کاهش شکاف میان ادبیات و ابزار اندازه‌گیری در پی توسعه و اعتبارسنجی مقیاس سرمایه اجتماعی در اینترنت (ISCS) برآمده است. به باور او، این مقیاس برای سنجش دو نوع متفاوت از سرمایه اجتماعی مشهور به "برون‌گروهی" و "درون‌گروهی" در فضای مجازی و غیرمجازی تدوین شده است. ویلیامز بر آن است که در آینده وجه غالب سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی پل‌زننده یا برون‌گروهی در قلمرو آنلاین خواهد بود.

افینگ و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای در رابطه با اثر فیس‌بوک، تویتر و یوتیوب بر فعالیت سیاسی تأکید کرده‌اند که شبکه‌های اجتماعی اثر معناداری بر مشارکت سیاسی در سطح ملی و کمتر از آن در سطح محلی دارند.

مارک اسکوریچ و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی آنلاین و مشارکت سیاسی در سنگاپور می‌پردازند. نتایج مطالعه آن‌ها حاکی از آن است که بین پیوندهای برون گروهی آنلاین و مشارکت آنلاین ارتباط معنادار وجود دارد. البته آن‌ها بر این باورند که یافته‌ای در رابطه با نقش پیوندهای برون گروهی آنلاین در مشارکت سیاسی سنتی نیافته‌اند و این مهم را به فقدان اعتماد به روابط برون گروهی آنلاین نسبت می‌دهند.

پاره‌ای از مطالعات نشان داده‌اند که اینترنت می‌تواند بر محدودیت‌های نهادی، فضایی، زمانی، قانونی و ساختی موجود بر ارتباطات غلبه کرده و تبادل اطلاعات و انجام اعمال و کنش‌های جمعی را بهبود بخشیده و منابع کنش را افزایش دهد و بیش از آن موجب تقویت بسیج شهروندان و دموکراسی مشارکتی گردد (بنت و سگربرگ، ۲۰۱۱؛ کارتی، ۲۰۱۰؛ کواوا، ۲۰۱۵؛ روسا، ۲۰۱۴). همچنین فرا تحلیل انجام شده توسط اسکوریچ، گاه و پانگ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که استفاده از رسانه‌های اجتماعی رابطه مثبتی در سطح خرد و متوسط با مشارکت اجتماعی، مدنی و سیاسی دارد. پاره‌ای از مطالعات بر اثر استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر انواع سنتی و آنلاین مشارکت مدنی تأکید کرده‌اند (پاسک و همکاران، ۲۰۰۹). در همین راستا، اسمیت و همکاران (۲۰۰۹) به نتیجه رسیده‌اند که تقریباً از هر پنج نفر از کاربران فضای مجازی یک نفر مطلبی با محتوای موضوعات سیاسی یا اجتماعی ارسال نموده است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که اثر استفاده از شبکه‌های مجازی بر فعالیت مدنی در میان جوانان ۱۸-۲۹ سال نمود بیشتری دارد. مطالعات دیگر بر اثر فضای مجازی بر درگیری کاربران با طیف گسترده‌تری از محتوای رسانه‌ای مرتبط با سیاست و امور عمومی تأکید دارند (بکشای و همکاران، ۲۰۱۵؛ باربرا، ۲۰۱۴) و این که این شبکه‌ها شیوه‌های جدیدی برای مکالمه نیمه عمومی^۱ موجود در

سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ ... ۱۰۹

شبکه‌های اجتماعی ارائه می‌دهند (روجاس، ۲۰۱۵؛ یاماموتو و همکاران، ۲۰۱۳) و نهایتاً این که رسانه‌های اجتماعی شیوه‌های جدیدی برای تبدیل ارزش‌های اجتماعی پنهان به کنش اجتماعی یا سیاسی برای کاربران فراهم می‌آورند (باد و همکاران، ۲۰۱۴).

مبانی نظری

جامعه‌شناسان کلاسیک خصوصاً وبر، دورکیم و تونیس، نوعی هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدرن جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده شهروندی پدید آوردند که به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و تعلق اجتماعی بیشتر به جامعه منجر می‌گردد و نهایتاً به تقویت انسجام اجتماعی و نظم اجتماعی می‌گراید. از این منظر است که شهروندی عقلانی وبری، شهروندی مدرن و عرفی دورکیم و شهروندی عرفی و گزل شافتی تونیس معنا پیدا می‌کند. البته در این میان، نوع نگاه مارکس به شهروندی تابع نظریه اجتماعی-سیاسی خاصی است. نگرش مارکس، به‌نوعی مشارکت تمام‌عیار غیر بورژوازی، در یک جامعه مدنی انقلابی است که تنها پس از فروپاشی جامعه سرمایه‌داری امکان تحقق پیدا خواهد کرد؛ اما بخش اعظم جامعه‌شناسی مدرن شهروندی، ادامه مسیر طرح شهروندی وبری و دورکیمی تلقی می‌شود (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۲: ۳۲). به باور گی ارمه فرهنگ شهروندی مبتنی بر ویژگی‌های شناخت، تحصیل قواعد یک سلوک دموکراتیک حقیقی و اخلاق مدنی است (ارمه، ۱۳۷۶: ۱۷۲-۱۷۱). برای هامفری مارشال شهروندی در روند شکل‌گیری دولت رفاه و طبقات اجتماعی در جامعه مدرن اهمیت می‌یابد. از نگاه مارشال، شهروندی موقعیتی است که به اعضای کامل یک اجتماع داده می‌شود و همه آن‌هایی که این موقعیت را دارا هستند، نسبت به حقوق و وظایفی که این موقعیت به آن‌ها می‌دهد، برابر هستند (Barbalet, 1998: 5). اهمیت ویژه‌ای که پارسونز به شهروندی می‌داد ناشی از این واقعیت بود که او تصور می‌کرد در جوامع دموکراتیک، شهروندی به معیار اصلی همبستگی اجتماعی تبدیل می‌شود (کیویستو، ۱۳۷۸: ۱۰۰). پارسونز الگوی نظری شهروندی را بر اساس نظام جامعه‌ای خود ارائه می‌دهد. پارسونز در حوزه شهروندی، بر ارزش‌های فرهنگی ریشه‌دار

جامعه و استمرار پیاپی آن در حوزه زندگی اجتماعی تأکید دارد. به نظر او مهم‌ترین ارزش‌هایی که باعث تقویت فرهنگ شهروندی در جامعه می‌گردد شامل برخوردار بودن از روحیه عقلانی، انتقادی و دانش علمی، احترام به قانون، بهره‌مندی از آزادی‌های مدنی در قانون و درک همه‌جانبه از مفهوم شهروندی می‌باشد (گی‌روشه، ۱۳۷۶: ۶۷).

ترنر تاریخ مدرن شهروندی را به‌مثابه یک سلسله دایره‌های گسترش‌یابنده‌ای تلقی می‌کند که به وسیله نیروی حرکت، برخورد و مبارزه به‌پیش رفته‌اند. براین ترنر در الگوی جامعه‌شناختی از شهروندی چهار منبع اساسی یعنی شهروندی، هویت، اجتماع و منابع (اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) را در تعامل باهم می‌داند. از نظر ترنر این چهار مقوله باهم مدل شهروند خوب را به دست می‌دهند (Turner, 1999: 265). منظور ترنر از منابع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بهره‌مندی هر شهروند از این منابع در جامعه است که باید به‌نوعی مساوات طلبانه و عادلانه، این منابع، توسط نظام حاکم برای شهروندان تقسیم گردد. پس از مطالعه مؤثر ویلیام گالستون و تحت تأثیر آن، محققان بر آن شدند که "شهروند مسئول" باید به‌مثابه مقوله‌ای مبتنی بر چهار فضیلت متمایز معرفی و درک شود: (۱) فضائل عمومی شامل شجاعت، اطاعت از قانون، وفاداری؛ (۲) فضیلت‌های اجتماعی دربرگیرنده استقلال، روشن‌فکری؛ (۳) فضائل اقتصادی شامل اعتقاد به اخلاق کار، توانایی برای به تأخیر انداختن ارضاء نفس، سازگاری اقتصادی و تغییرات تکنولوژیکی؛ و در نهایت، (۴) فضائل سیاسی: ظرفیت تشخیص حقوق دیگران و احترام به این حقوق، تمایل به تقاضا تنها برای آنچه می‌تواند از پس آن برآید، توانایی ارزیابی عملکرد در اداره، و تمایل برای شرکت در گفتمان عمومی (کیملیکا، ۲۰۰۰).

به نظر می‌رسد این فضایل به لحاظ فرهنگی ارزش‌های خاصی هستند که از آنچه به‌عنوان اخلاق کاری پروتستان و روح سرمایه‌داری تلقی می‌گردد، با الگوسازی از ارزش‌های گروه‌های اجتماعی غالب در قالب هویت شهروندان، حمایت می‌کنند (چاو، ۲۰۰۲). در مباحث معاصر در مورد چند فرهنگی و شهروندی نیز این فضائل به‌عنوان دستورالعمل انتزاعی که از طریق آن تفاوت فرهنگی پردازش می‌شود، مجدداً ظاهر می‌شود. لیندا بوسنیاک (۲۰۰۰: ۴۴۷) در گونه‌شناسی اشکال مختلف شهروندی، مبتنی بر نوعی کار

حقوقی به چهار گفتمان مختلف اشاره می‌کند: شهروندی به‌عنوان وضعیت حقوقی رسمی (که سبب تمایز شهروندان از دیگران یا بیگانگان می‌شود)، شهروندی به‌عنوان حقوق، شهروندی به‌عنوان فعالیت سیاسی و شهروندی به‌عنوان هویت/همبستگی. توماس دنک و کریستین سن (۲۰۱۵؛ ۲۰۱۶) با تأسی و توجه بر تز فرهنگ مدنی آلموند و وربا در راستای تدوین گونه‌شناسی نوینی از انواع شهروندی از زاویه فرهنگ شهروندی برآمده‌اند. آن‌ها با توجه به مقوله‌های حقوق و تعهدات و همچنین با نگاه به دو بعد جهت‌گیری شهروندان نسبت به‌نظام سیاسی و جهت‌گیری آن‌ها نسبت به نقش‌های سیاسی چهار نوع شهروندی را معرفی می‌کنند. آن‌ها در کنار فرهنگ مدنی به‌عنوان عالی‌ترین کیفیت شهروندی برای دموکراسی، بر انواع دیگری از شهروندی نیز تأکید می‌کنند.

شهروندان مدنی، افرادی هستند که نقش‌های فعالی در جامعه به عهده می‌گیرند و البته نگرش مثبتی نیز نسبت به نظام سیاسی دارند. به باور متفکران و البته سایر نظریه‌پردازان حوزه فرهنگ سیاسی و فرهنگ شهروندی این‌گونه شهروندی پیش‌نیاز اساسی برای شکل‌گیری و تحکیم نظام‌های دموکراتیک است (همان، ۲۰۱۶؛ آلموند و وربا، ۱۹۶۵). شهروندان منتقد، کسانی هستند که اگرچه به لحاظ فرهنگ شهروندی و مشغولیت در فعالیت‌های سیاسی و مدنی در وضعیت مناسبی قرار دارند، اما جهت‌گیری منفی و انتقادات جدی نسبت به‌نظام سیاسی دارند. چنین گونه‌ای از شهروندی نیز اهمیت برجسته‌ای برای فعالیت‌ها و رشد فرایندهای دموکراتیک دارد. شهروندان منزوی، اگرچه نگرش مثبت به‌نظام سیاسی دارند، اما نگرش منفی نسبت به مشغولیت در فعالیت‌های مدنی و سیاسی دارند و نهایتاً شهروندان سرخورده در هر دو بعد نگرش‌های منفی دارند و این دورترین نوع شهروندی در راستای فرهنگ شهروندی است. بر این اساس، وجه فرهنگی شهروندی در این‌گونه شناسی در واقع تأکید بر اهمیت مشغولیت و درگیری و عهده‌دار شدن نقش‌های سیاسی و مدنی در جامعه است.

در مباحث نظری و تجربی در رابطه با تحکیم و تثبیت دموکراسی، شهروندی و فرهنگ شهروندی، سرمایه اجتماعی، اجزاء و ابعاد آن از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. مفهوم سرمایه اجتماعی برای اولین بار در سال‌های دهه ۱۹۲۰ از سوی لیدا جادسون هانیفن در کتابی با عنوان «مرکز اجتماع» (۱۹۲۰) و بعدها نیز در دهه ۱۹۶۰ توسط جین

جاکوبز در کتاب تاثیرگذارش به نام "مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ امریکا" (۱۹۶۱) به حوزه علوم اجتماعی معرفی شد. اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد، به‌طور جدی توسط رابرت پاتنام، پیر بوردیو، جیمز کلمن، فوکویاما و اندیشمندان دیگر وارد مباحث جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت و... شده است. پیش‌تر نیز، متفکرانی چون دوتوکویل، میل، دورکهایم و زیمل از منافع اجتماعی عضویت در تشکلات داوطلبانه، بسیار سخن رانده بودند. از نظر آن‌ها، مشارکت شهروندان در جامعه محلی و انجام فعالیت‌های داوطلبانه، رفتارهای اجتماعی و منافع ناشی از پیوندهای اجتماعی را به مردم می‌آموزد: رفتارهایی نظیر اعتماد، رابطه متقابل، یکپارچگی و همکاری. به عقیده کلمن^۱ (۱۹۸۸)، سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند، و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند. از نظر کلمن، اعتماد، اختیار، تعهدات، انتظارات و هنجارها عناصر اصلی سرمایه اجتماعی هستند و نقش گروه‌های نخستین مانند خانواده، دوستان، همسایگان و محله در تولید سرمایه اجتماعی مهم است (وحیدا و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۸). سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو^۲ (۱۹۸۶) به نقل از ترنر^۳ (۲۰۰۳: ۴۹۵-۴۹۶)، موقعیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌باشد. وی یادآوری می‌کند که ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی به عضویت در گروه اجتماعی بستگی دارد که اعضایش از طریق مبادله اشیاء و نمادها مرزبندی‌های گروهی ایجاد می‌کنند (وال و همکاران ۱۹۹۸: ۳۰۶).

سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو، مجموعه‌ای از منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و گروه‌ها و به عبارت ساده‌تر، عضویت در گروه است (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۲). به هر روی، رهیافت سرمایه اجتماعی (اجتماع‌گرایان) بر ارزش‌هایی که شهروندان را به زندگی روزانه پیوند داده و پیوندهای اجتماعی و وفاداری‌شان به اجتماع را تقویت می‌کند، تأکید دارد (Bell, 1993: 82-85).

1. Coleman
2. Bourdieu
3. Turner

این دیدگاه برآمده از یک مکتب قدیمی آمریکایی به نام "تفکر مدنی"^۱ است که از آلکسی دو توکویل تا آلموند و وربا را در برمی‌گیرد. آن‌ها جامعه مدنی را به‌عنوان بخش حیاتی دموکراسی نیرومند آمریکایی در نظر می‌گیرند. اجتماع از نظر آن‌ها «سرچشمه» فرهنگ مدنی^۲ است که شهروندان را در یک قلمرو مشخص، متمایز و بعضاً متعارض با دولت لیبرال دور هم متحد می‌کند» (Arneil, 2006: 4). «توکویل، آلموند و وربا همگی انجمن‌های داوطلبانه را به‌مثابه ابزارهایی می‌نگریستند که سرانجام دموکراسی آمریکایی را بیمه خواهد کرد» (Ibid: 5). تقریباً تمام نظریه‌پردازان بعدی سرمایه اجتماعی و بالأخص رابرت پاتنام به‌نوعی تحت تأثیر مکتب "تفکر مدنی" مبادرت به خلق و توسعه مفهوم سرمایه اجتماعی نموده‌اند. رابرت پاتنام از نظریه‌پردازان اصلی این رهیافت، در پژوهشی به بررسی تطبیقی عملکرد نهادهای حکومت‌های محلی ایتالیا پرداخته است. وی این فرضیه را مطرح می‌کند که تفاوت در عملکرد این حکومت‌ها به‌رغم وجود تشکیلات و ترتیبات نهادی یکسان، ناشی از متغیر سرمایه اجتماعی و شبکه اعتماد متفاوت نهفته در بافت و زمینه اجتماعی این مناطق می‌باشد (باگناسکو، ۱۳۸۵: ۳۶). پاتنام (۱۳۸۰) در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی» سرمایه اجتماعی را عبارت از ویژگی‌ها، کنش‌ها و ساختارهای گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند. در این تعریف وی هم به اجزای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی اشاره می‌کند و هم نتایج و کارکردهای آن را مدنظر قرار داده است که از نظر وی بهبود کارایی جامعه می‌باشد. بر اساس نظر او چنین جهت‌گیری‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کند و در فعالیت‌های مردم در انجمن‌های داوطلبانه و در اعتمادشان به شهروندان منعکس می‌شود. از نگاه او سرمایه اجتماعی به شکل یک پدیده فرهنگی تعریف می‌شود که میزان تمایل به فعالیت مدنی در اعضای جامعه، وجود هنجارهای اجتماعی اشاعه‌دهنده کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی را در برمی‌گیرد (شجاعی و همکاران، ۱۳۸۷).

پاتنام موفقیت حکومت‌های مناطق شمالی نسبت به جنوب این کشور را به وجود سنت‌های مدنی (وجود انواع اعتماد به‌ویژه اعتماد سیاسی) نسبت می‌دهد که موجب مشارکت شهروندان این مناطق در مسائل عمومی، پیروی از قوانین و نیز ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سیاسی افقی شده‌اند. از نظر وی این عوامل به همراه درستکاری و همبستگی، «جوامع مدنی» و دموکراتیکی ایجاد کرده‌اند که از سستی، ناکارآمدی و فساد حاکم در مناطق جنوبی که از فقدان این عوامل رنج می‌برند، به دور است (پاتنام، ۱۳۷۹: ۳۹). در نهایت وی تأکید می‌کند که عامل کلیدی که جوامع برخوردار از حاکمیت مطلوب را از آن‌هایی که فاقد آن هستند متمایز می‌کند، فضیلت مدنی است (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۳۴۴). این فضیلت همان‌طور که اشاره شد، شامل اقدامات و فعالیت‌هایی نظیر مشارکت سیاسی و اجتماعی، اطاعت از قانون، همکاری، تعهد به منافع عامه و... است. از دیدگاه پاتنام سرمایه اجتماعی نهفته در هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی پیش‌شرط توسعه اقتصادی، گسترش فرهنگ سیاسی دموکراتیک و در نهایت حاکمیت کارآمد و دموکراتیک است. وولکاک (۲۰۰۱) تمایز پاتنام میان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی را اصلاح نموده و بعد "ارتباطی" یا پیوستگی را به آن اضافه نمود. او نوع ارتباطی را با این توصیف توضیح می‌دهد که افراد با سطوح متفاوت قدرت و منابع و از طبقات اجتماعی متفاوت می‌توانند با هم ارتباط داشته باشند و در این فرایند ترتیبات قدرت و منابع جدیدی برای خدمت به ارتباطات اجتماعی میان گروه‌های ناهمگون فراهم کنند. وربا و همکاران (۱۹۹۵) دریافتند که مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه به توسعه مهارت‌های مدنی کارآمد، تثبیت شبکه‌های اجتماعی به لحاظ سیاسی کارآ و افزایش فرصت‌ها برای حضور در فعالیت سیاسی کمک می‌کند. اگرچه شرکت در انجمن‌های داوطلبانه غیرسیاسی ممکن است به‌صراحت سیاسی نباشد، اما وربا و دیگران عنوان می‌کنند که پیامدهای مهمی برای اثربخشی کنش سیاسی و احتمال ورود به فعالیت سیاسی خواهد داشت. در این زمینه، موضوع مشترک در ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی و فرهنگ شهروندی، اهمیت اعتماد است.

کلمن (۱۹۸۸)، پوتنام (۲۰۰۰) و اوسلانر (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که اعتماد عنصر کلیدی ساخت روابط اجتماعی است که برای ایجاد سرمایه اجتماعی مهم است. در ادبیات سرمایه اجتماعی، اعتماد منعکس‌کننده باورهایی است که زیربنای ارزش‌های مشترک برای تمام اعضای جامعه است (اوسلانر، ۲۰۰۵) و به‌عنوان منبعی تلقی می‌شود که تعاون و همکاری را در میان اعضاء یک اجتماع یا شبکه اجتماعی ترویج می‌کند، دو ویژگی که برای کارآمدی مشارکت مدنی بی‌نهایت مهم هستند (پاتنام، ۲۰۰).

امروزه با ظهور شبکه‌های اجتماعی و تلقی شکل‌گیری نوع تازه‌ای از سرمایه اجتماعی در این شبکه‌ها، اهمیت مطالعه در این زمینه را برای جامعه‌شناسان دوچندان نموده است. رشد شبکه‌های اجتماعی مجازی، جامعه‌شناسان را از بررسی گروه‌ها و مقوله‌های اجتماعی به بررسی پیوندهای بین کنشگرانی سوق می‌دهد که "آن‌چنان درهم‌تنیده و به‌هم‌پیوسته نیستند که بتوان آن‌ها را گروه نامید" (ولمن، ۱۹۸۳: ۱۶۹). یکی از نمونه‌های خوب در این زمینه، کار گرانووتر (۱۹۷۳، ۱۹۸۳) درباره "قدرت پیوندهای ضعیف" بوده است. مطالعات گرانووتر در دهه ۷۰ میلادی نشان داد که برای تداوم یک گروه، بیش از آنکه پیوندهای قوی اولویت داشته باشد، پیوندهای ضعیف اهمیت دارند. در این راستا، همپتون (۲۰۱۱): ۵۱۰ استدلال کرده است که "تنوع شبکه فراگیر، پیش‌بین مهم‌تر و مناسب‌تری از رفتارهای مدنی و شهروندی است تا پیوندهای قوی کوچک و منسجمی که مردم را با شدت بیشتری به هم مرتبط می‌کنند". پاتنام (۲۰۰۰) هم بر این نکته تأکید داشت که هر چه انسجام یک گروه یا اجتماع بیشتر باشد، مشارکت عمومی و سیاسی آن گروه کاهش می‌یابد.

به هر روی، مبانی نظری و تجربی موجود در رابطه با اثر سرمایه اجتماعی در فضای مجازی بر فعالیت مدنی و فرهنگ شهروندی متنوع و اغلب متناقض بوده است. گزارش‌های مثبت از نقش ارتباطات و فضای مجازی (آنلاین و آفلاین) عمدتاً توجه خود را به ویژگی‌های گفتگویی، انعطاف‌پذیری، مشورتی و اشکال ذاتاً دموکراتیک شبکه‌های ارتباطات اجتماعی معطوف نموده‌اند. کان و کلنر (۲۰۰۴: ۹۴) با اشاره به "خرده‌فرهنگ‌های فعال آنلاین" فضای مجازی را به‌عنوان "فضای حیاتی تازه برای سیاست و فرهنگ" تلقی می‌کنند. همزمان بیمبر، فلاناگین و استول (۲۰۰۵) اشاره می‌کنند که تکنولوژی‌های

ارتباطی با فراهم نمودن امکان "عبور از مرز خصوصی به عمومی"، انعطاف‌پذیری و استقلال بیشتری برای کنش جمعی فراهم می‌آورند. بنت و اسگربرگ (۲۰۱۱) بر اهمیت تقویت "شخصی‌سازی کنش جمعی" آنلاین تأکید می‌کنند، با این توضیح که رسانه‌های دیجیتال توانایی شبکه‌های شخصی برای ایفای نقش برجسته‌تر در اعتراضات یا سایر اشکال کنش مدنی را افزایش می‌دهند. پاره‌ای از متفکران با توجه به کیفیت و کارکردهای ارتباطات آنلاین در زمینه فعالیت مدنی عنوان می‌کنند که برنامه‌های آنلاین، سرعت انتقال و دسترسی به اطلاعات مربوط به اعتراضات و محتوای چندرسانه‌ای را افزایش داده است (روسا، ۲۰۱۴). اپریل (۲۰۱۱) و بنت و فیلدینگ (۱۹۹۹) بر ویژگی‌های نوآورانه اشکال مشارکت عمومی آنلاین مانند سایت‌های اعتراضی آنلاین، بایکوت‌های آنلاین و کمپین‌های ایمیلی و توانایی آن‌ها برای تغییر اشکال تثبیت‌شده فعالیت عمومی بدون نیاز به اعتراض آفلاین، تأکید نموده‌اند. عده‌ای دیگر از متفکران حتی عنوان می‌کنند که فضای مجازی به شکل‌گیری اشکال جدیدی از فعالیت منجر می‌شود که اغلب ارتباطی با جنبش‌های اجتماعی آفلاین موجود ندارد. چه آنکه این اشکال جدید بر استدلال‌ها و دلایل جدیدی برای مشارکت مبتنی هستند و احتمالاً به‌وسیله افرادی ایجاد می‌شوند که پیش‌تر در جنبش‌های اجتماعی فعال نبوده‌اند (اپریل، ۲۰۱۱). علاوه بر آن، کاوادا (۲۰۱۵) درباره نحوه عملکرد فرایندهای فضای مجازی و ارتباطات آنلاین (به‌ویژه فیس‌بوک) متفکران مختلف با توجه به اثر فزاینده بر ایجاد نوع خاصی از سرمایه اجتماعی اشاره کرده است که فیس‌بوک ابزاری برای فعالیت سیاسی، حمایت از محیط‌زیست و طراحی شهری است (والنزوئلا، ۲۰۱۳) و در نهایت این که تعدادی از متفکران در رهیافتی دقیق‌تر معتقدند که سرمایه اجتماعی و ارتباطات آنلاین جایگزین ارتباطات چهره به چهره و سرمایه اجتماعی آفلاین نمی‌شود، بلکه تنها به صورت مکمل عمل می‌کند (همپتون، ۲۰۱۱).

جمع‌بندی مبانی نظری

مروری بر ادبیات نظری و تجربی مرتبط با فرهنگ شهروندی نشان می‌دهد عوامل مرتبط با شهروندی و فرهنگ شهروندی متعدد و هر یک از اندیشمندان یک یا مجموعه‌ای از عوامل را در تکوین شهروندی و فرهنگ شهروندی مؤثر می‌دانند. در این راستا، بر اساس پیشینه‌های تجربی یادشده و به‌ویژه با تأکید بر توسلی و نجات حسینی (ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندی)، صرافی و عبدالهی (تأکید بر حقوق و وظایف شهروندی)، گنجی و همکاران (آموزش شهروندی)، رضا همتی و وکیل احمدی (مدارا و اعتماد اجتماعی)، چانک ژاگ (آموزش دانش مدنی) و جسیکا فرناندز (جایگاه هویت در فرهنگ شهروندی) و مبتنی بر تئوری‌های جامعه‌شناسان کلاسیک (شهروندی، تعلق اجتماعی و انسجام اجتماعی)، ترنر (تعامل عناصر چهارگانه در شهروندی) و همچنین گرانووتر (قدرت پیوندهای ضعیف) کان و کلنر (خرده‌فرهنگ‌های فعال آنلاین)، بیمبر، فلاناگین و استول (امکان "عبور از مرز خصوصی به عمومی"، انعطاف‌پذیری و استقلال بیشتری برای کنش جمعی) و بنت و اسگربرگ (شخصی‌سازی کنش جمعی در فضای مجازی) فرضیات زیر در این مطالعه مدون شدند.

فرضیات تحقیق

- سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (پیوندی) در فضای مجازی با وضعیت فرهنگ شهروندی شهروندان سنندجی ارتباط دارد.
- سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (پیوندی) در فضای غیرمجازی با وضعیت فرهنگ شهروندی شهروندان سنندجی ارتباط دارد.
- سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (پل زنده) در فضای مجازی با وضعیت فرهنگ شهروندی شهروندان سنندجی ارتباط دارد.
- سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (پل زنده) در فضای غیرمجازی با وضعیت فرهنگ شهروندی شهروندان سنندجی ارتباط دارد.

روش‌شناسی

روش پژوهش تحقیق حاضر توصیفی، از نوع پیمایشی است. از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی^۱، از نظر هدف، یک بررسی کاربردی^۲، از نظر معیار، ژرفایی از نوع پهنانگر^۳ و به لحاظ معیار زمان این تحقیق از نوع یک بررسی مقطعی^۴ است. داده‌های تحقیق حاضر با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخت جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای سنندجی بوده است. در این پژوهش، جهت دستیابی به نمونه پژوهشی معرف، بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سه خوشه از شهر که معرف وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهر سنندج است از سه سطح مختلف شهر سنندج (۱. مناطق بالا: بلوار شبلی، شالمان، خیابان صفری، شهرک سعدی، مبارک آباد... ۲. مناطق متوسط: خیابان وکیل، شهرک زاگرس، بهاران و... ۳. مناطق پایین: عباس‌آباد، فرجه، تفتقان و...) انتخاب شده‌اند، و همچنین پاسخگویان در این مناطق با پاسخ به سؤال شناسایی آیا از اینترنت و فضای مجازی استفاده می‌کنید، انتخاب می‌شدند. حجم نمونه مبتنی بر احتمال وقوع صفت و برآورد خطا و همچنین بر اساس جامعه آماری، ۴۰۰ نفر تعیین شد. در این راستا، پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر روایی و پایایی مناسب در میان پاسخگویان توزیع گردید.

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای مختلف تحقیق

نام متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
فرهنگ شهروندی	۳۶	۰/۹۱۱
سرمایه اجتماعی	۴۰	۰/۹۵۱
سرمایه اجتماعی درون گروهی	۲۰	۰/۸۴۳
سرمایه اجتماعی برون گروهی	۲۰	۰/۸۷۱

1. Survey
2. Applied
3. Extensive
4. Cross Sectional

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

«فرهنگ شهروندی» مجموعه‌ای از ارزش‌ها نگرش‌ها، قوانین مشترک بنیادی است که دربردارنده احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و همچنین تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۹). فرهنگ شهروندی بخشی از فرهنگ فردی و اجتماعی است که متناسب با مفهوم شهر، شکل یافته است. ویلیام گالستون و تحت تأثیر آن، محققان بر آن شدند که «شهروند مسئول» باید به‌مثابه مقوله‌ای مبتنی بر چهار فضیلت متمایز معرفی و درک شود: (۱) فضائل عمومی شامل شجاعت، اطاعت از قانون، وفاداری؛ (۲) فضیلت‌های اجتماعی دربرگیرنده استقلال، روشنفکری. (۳) فضائل اقتصادی شامل اعتقاد به اخلاق کار، توانایی برای به تأخیر انداختن ارضاء نفس، سازگاری اقتصادی و تغییرات تکنولوژیکی؛ و در نهایت، (۴) فضائل سیاسی: ظرفیت تشخیص حقوق دیگران و احترام به این حقوق، تمایل به تقاضا تنها برای آنچه می‌تواند از پس آن برآید، توانایی ارزیابی عملکرد در اداره و تمایل برای شرکت در گفتمان عمومی (کیملیکا، ۲۰۰۰). در این مطالعه با توجه به مطالعات تجربی و نظری پیشین و همچنین با توجه به محتوای مطالعه حاضر فرهنگ شهروندی در دو بعد کلی دانش مدنی و مشارکت مدنی تفکیک شد. بعد دانش مدنی مبتنی بر ۸ آیتم یا گویه در رابطه با شناخت شهروندان از سازوکارهای مدنی و محدوده‌های قانونی فعالیت مدنی سنجش شد و برای سنجش بُعد مشارکت مدنی، پنج مؤلفه مدارای اجتماعی، مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری، نوع‌دوستی و گرایش به پیروی از قانون در نظر گرفته شدند.

«مشارکت اجتماعی» به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضاء یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵). برای سنجش این متغیر سه سؤال در خصوص تمایل به مشارکت در عرصه‌هایی چون شورای محل و پیگیری مشکلات محل و... مطرح شد.

«مسئولیت‌پذیری اجتماعی» بر حس عاطفی ارتباط با دیگران در اجتماع (همدلی) دلالت داشته و مهم‌تر از آن نشانگر احساس مسئولیت‌پذیری در قبال دیگر افراد جامعه می‌باشد. افرادی که خود را به لحاظ مدنی مسئول می‌دانند خود را عضوی از ساخت

اجتماعی بزرگ‌تر در نظر گرفته و بنابراین دست‌کم، مسائل اجتماعی را مسائل و مشکلات خود تلقی می‌کنند (هیروئوموس-ونت و ابرت والاس، ۲۰۰۹). برای سنجش این متغیر از مقیاس محقق ساخته‌ای شامل سه گویه در مقیاس لیکرت استفاده شد برای مثال با کمک کردن به دیگران می‌توان دین خود را به جامعه ادا کرد.

در فرهنگ هریتیج، «مدارا» به معنی احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران و به رسمیت شناسی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها به دلیل داشتن عقاید مخالف ذکر شده است (سراج زاده و دیگران، ۱۳۸۲). برای سنجش این متغیر از سه گویه در مقیاس لیکرت استفاده شد. برای مثال مردم جامعه نباید کسانی را تحمل کنند که افکارشان کاملاً مخالف با افکار اکثریت مردم جامعه است

«نوع دوستی» اساساً بیانگر رفتاری است که هدف آن نفع رسانی به دیگران است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳) نوع دوستی دارای چهار ویژگی اساسی است؛ اول در جهت رفاه و خیر دیگران است نه خود فرد، دوم، اختیاری و داوطلبانه است، سوم آگاهانه و از روی قصد است و چهارم معمولاً انتظار کسب پاداش در آن وجود ندارد. برای سنجش این متغیر نیز از مقیاس محقق ساخته‌ای شامل چهار گویه در مقیاس لیکرت استفاده شد. مثلاً اگر کسی نشانی یا مسیری از من بپرسد به‌طور دقیق راهنمایی‌اش می‌کنم.

«قانون‌گرایی» عبارت است از رعایت هنجارهای رسمی در برآورده کردن انتظارات فردی یا گروهی از طریق حق‌شناسی، قانع بودن به حقوق خویش و عدم تعرض به مصالح گروهی و اجتماعی (صمدی، ۱۳۸۲). برای سنجش این متغیر از سه گویه استفاده شده است. برای مثال همه مردم باید از قانون پیروی کرده و به آن احترام بگذارند.

«سرمایه اجتماعی» مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌باشد که هماهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند و باعث کارآمدی جامعه در فعالیت‌های هماهنگ می‌شود (Vale et al, 1998: 311). در این پژوهش، به‌منظور سنجش سرمایه اجتماعی در جهان واقعی و جهان مجازی از مقیاس "ISCS" متعلق به دیمیتری ویلیامز (۲۰۰۶) استفاده شده است. مقیاس ISCS که یک مقیاس استاندارد به نام "مقیاس سرمایه اجتماعی اینترنتی" است، برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در

محیط‌های برخط و اینترنتی تدوین شده است. مقیاس "ISCS" به‌طور مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی را در شرایط آفلاین و آنلاین اندازه‌گیری می‌کند. برای دستیابی به این هدف، در مقیاس سرمایه اجتماعی اینترنتی، دو مجموعه سؤالات موازی در نظر گرفته شده است: یک مجموعه برای شرایط آفلاین و دیگری برای شرایط آفلاین و هر مجموعه سؤال، خرده مقیاس‌هایی را برای سنجش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در برمی‌گیرد. این مقیاس شامل ۲۰ سؤال بسته برای سنجش سطح سرمایه اجتماعی در جهان واقعی با آلفای کرونباخ ۰/۹۰۳ و همچنین ۲۰ سؤال بسته دیگر برای سنجش سطح سرمایه اجتماعی در جهان مجازی با آلفای ۰/۸۴۱ می‌باشد. تمام پرسش‌ها به صورت پنج گزینه‌ای و به صورت طیف لیکرت تدوین گردیده‌اند (Williams, 2006: 10). ده گویه اول هر پرسشنامه مربوط به درون‌گروهی سرمایه اجتماعی (پیوندی)^۱ و ده سؤال دوم مربوط به بعد برون‌گروهی سرمایه اجتماعی (پل زننده)^۲ است. پاره‌ای از گویه‌های سنجش‌کننده سرمایه اجتماعی در فضای مجازی و واقعی به‌قرار زیر است:

در دنیای واقعی/مجازی کسانی هستند که برای حل مشکلات به آن‌ها اعتماد دارم.
در دنیای واقعی/مجازی کسی هست که برای مشاوره در تصمیم‌گیری‌های خیلی مهم می‌توانم به او مراجعه کنم.
در دنیای واقعی/مجازی کسی نیست که بتوانم با خیال راحت درباره امور شخصی و محرمانه با او صحبت کنم.
زمانی که احساس تنهایی می‌کنم در دنیای واقعی/مجازی چندین نفر هستند که می‌توانم با آن‌ها صحبت کنم.
اگر نیاز به وام چندمیلیونی داشته باشم، در دنیای واقعی/مجازی کسی هست که می‌توانم روی کمک او حساب کنم.

1. Bonding Social Capital
2. Bridging Social Capital

یافته‌ها و نتایج

- یافته‌های توصیفی

نتایج توصیفی نشان می‌دهد که از نمونه تحقیق ۲۰۸ نفر را مردان و ۱۹۲ نفر را زنان تشکیل می‌دهند که این امر تصادفی بودن نمونه را بیشتر نمایان می‌کند. در زمینه تحصیلات نیز حدود ۳۸ درصد پاسخگویان در مقطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی بوده‌اند و میانگین سنی پاسخگویان ۳۳ سال بوده است. در رتبه‌بندی درآمدی، سطح درآمد «۷۰۰ تا یک میلیون تومان در ماه» بیشترین فراوانی را در میان پاسخگویان (۵۳/۶ درصد) و درآمد بالای سه میلیون تومان در ماه با ۴/۵ درصد فراوانی، کمترین فراوانی را داشته است. در مورد وضعیت مسکن ۴۸/۷ درصد دارای مسکن ملکی هستند و بقیه فاقد مسکن شخصی هستند و در خانه‌های رهنی و اجاره‌ای اسکان یافته‌اند.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرهای پژوهش	حداقل آماره	حداکثر آماره	میانگین	انحراف معیار	وضعیت
فرهنگ شهروندی	۳۶	۱۸۰	۱۲۳/۱۸	۱۴/۶۵	بالاتر از متوسط
دانش مدنی	۸	۴۰	۲۵/۷	۴/۲۳	در حد متوسط
مشارکت مدنی	۲۸	۱۴۰	۷۸/۶۴	۹/۴۲	تقریباً در حد متوسط
مدارای اجتماعی	۵	۲۵	۱۷/۰۸	۴/۵	بالاتر از متوسط
مشارکت‌جویی	۵	۲۵	۱۴/۱۶	۳/۹	پایین‌تر از متوسط
مسئولیت‌پذیری	۵	۲۵	۱۷/۵	۲/۷	تقریباً در حد متوسط
نوع دوستی	۵	۲۵	۲۰/۳۳	۲/۶	بالاتر از متوسط
گرایش به پیروی از قانون	۸	۴۰	۱۹/۲۳	۱۱/۵	پایین‌تر از متوسط
سرمایه اجتماعی	۴۰	۲۰۰	۱۲۵/۱۹	۱۷/۲۱	متوسط
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (غیرمجازی)	۱۰	۵۰	۳۷/۵	۱۱/۷	بالاتر از متوسط
سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (غیرمجازی)	۱۰	۵۰	۲۸/۳۳	۱۱/۳۴	پایین‌تر از متوسط
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (مجازی)	۱۰	۵۰	۲۷/۴۷	۱۱/۷	پایین‌تر از متوسط
سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (مجازی)	۱۰	۵۰	۳۴/۳۳	۱۱/۳۴	بالاتر از متوسط

سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ ... ۱۲۳

نتایج توصیفی نشان می‌دهد که میانگین فرهنگ شهروندی نمره ۱۲۳/۱۱ از حد وسط نمره ۱۸۰ بوده است که گویای این واقعیت است که فرهنگ شهروندی شهروندان بیشتر از حد متوسط بوده است و در همین راستا میانگین تک‌تک ابعاد فرهنگ شهروندی نتایج مشابهی را نشان داد. نتایج جدول حاکی از آن است که از میان ابعاد فرهنگ شهروندی در حوزه دانش مدنی شهروندان و مشارکت مدنی در حد متوسط بوده‌اند. همچنین در میان عناصر مشارکت مدنی بالاترین میانگین مربوط به روحیه نوع‌دوستی و پایین‌ترین مربوط به پیروی از قانون و همچنین مشارکت‌جویی است. این موضوع نشان از آن دارد که شهروندان سنجی در حوزه تفکر و باور وضعیت مساعدتری نسبت به حوزه درگیری یا مشارکت دارند. نتایج جدول همچنین نشان از آن دارد که وضعیت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در فضای مجازی و سرمایه درون‌گروهی در فضای غیرمجازی و واقعی در میان شهروندان از میانگین بالاتری برخوردار بوده است.

یافته‌های استنباطی

نتایج استنباطی حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین سه بعد از ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی و فرهنگ شهروندی است. رابطه تأییدشده برای این سه بعد، مستقیم (مثبت) و در حد متوسط و متوسط به بالا بوده است. بیشترین شدت ارتباط مربوط به بعد برون‌گروهی سرمایه اجتماعی در فضای مجازی است (۰/۴۸۵) که شدت آن بیش از متوسط ارزیابی می‌شود. نتایج جدول همچنین حاکی از عدم وجود ارتباط میان بعد درون‌گروهی سرمایه اجتماعی در فضای واقعی و فرهنگ شهروندی است.

جدول ۳- آزمون فرضیات و ارتباط متغیرهای تحقیق

فرهنگ شهروندی		متغیر وابسته
سطح معناداری	شدت همبستگی	متغیر مستقل
		سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۴۸۵	سرمایه اجتماعی مجازی
۰/۰۰۰	۰/۱۱۳	سرمایه اجتماعی غیرمجازی
۰/۰۸۱	۰/۰۴۶	سرمایه اجتماعی درون گروهی مجازی
۰/۰۰۰	۰/۵۲۱	سرمایه اجتماعی برون گروهی مجازی
۰/۱۵۴	۰/۰۱۹	سرمایه اجتماعی درون گروهی غیرمجازی
۰/۰۰۰	۰/۲۰۴	سرمایه اجتماعی برون گروهی غیرمجازی

علاوه بر آن یافته‌های مربوط به ارتباط متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته حاکی از آن است که سن و تحصیلات اثر معناداری بر متغیر وابسته داشته‌اند. البته اثر سن، معکوس و معنادار بوده است و البته اثر تحصیلات مستقیم بوده است به این معنا که افزایش تحصیلات احتمالاً منجر به تقویت مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی خواهد شد. در سایر موارد ارتباط معناداری وجود نداشته است.

جدول ۴- ارتباط متغیرهای زمینه‌ای و متغیر وابسته

نتیجه	جهت رابطه	مقدار آزمون و معنی‌داری	آزمون مورد استفاده	متغیر وابسته	متغیر مستقل	متغیرهای زمینه‌ای
رد فرضیه	-	(Sig = 0.097) (T=418/1)	T	فرهنگ شهروندی	جنسیت	فرهنگ شهروندی
تأیید فرضیه	معکوس	(Sig = 0.000) (r=189.0)	پیرسون		سن	
رد فرضیه	-	(Sig = 0.187) (T=186/2)	T		تأهل	
تأیید فرضیه	-	(Sig = 0.000) (r=345.0)	اسپیرمن		تحصیلات	

مدل برازش اثر سرمایه فرهنگی بر فرهنگ شهروندی

به‌منظور بررسی میزان تأثیر و تعیین‌کنندگی هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی بر فرهنگ شهروندی از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است. از مجموع چهار بعد سرمایه

سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ ... ۱۲۵

اجتماعی وارد شده در تحلیل، تنها سه بعد برون گروهی (مجازی و غیرمجازی) و درون گروهی (مجازی) باقی ماند که هر سه گونه همان طور که در جدول شماره ۶ نشان داده شده قادر هستند تقریباً ۴۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش بینی نمایند. در این راستا، سه بعد سرمایه اجتماعی برون گروهی (مجازی و غیرمجازی) و درون گروهی (مجازی) متغیرهای مؤثر در این رابطه بوده اند. برای تشخیص اثر جداگانه هر یک از ابعاد و امکان مقایسه، آماره های استاندارد در جدول شماره ۵ ارائه شده اند.

جدول ۵- آماره های تحلیل رگرسیونی چند متغیره فرهنگ شهروندی

۰/۵۹۶	Multiple R	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۴۵۶	R Square	ضریب تبیین
۰/۴۲۳	Adjusted R Square	ضریب تبیین تصحیح شده
۱/۴۹	Durbin-Watson	آزمون دوربین- واتسون

نتایج تحلیل در مدل برازش فرهنگ شهروندی با توجه به مقدار F به دست آمده ($f = -24.272$, sig: 0.000) نشان داد که مدل تبیینی AR تصحیح شده معنی دار می باشد.

جدول ۶- تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره فرهنگ شهروندی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۳۲۰۴,۹۹۵	۵	۶۳۹,۳۹	۲۴,۲۷۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۳۴۲,۱۴۰	۳۳۵	۲۴,۳۸۰		
کل	۴۵۵۲,۱۳۶	۳۴۰	-		

جدول ۷- آماره های مربوط به متغیرهای مستقلی که در مدل باقی مانده اند

نام متغیر	B	.St	Beta	T	Sig
عرض از مبدأ	۵۱/۶۰۶	۹/۴۷۶	-	۶/۷۴۸	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی برون گروهی مجازی	۱/۱۰۳	۰/۱۸۲	۰/۵۱۲	۸/۰۷۴	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی برون گروهی غیرمجازی	۱/۰۳۴	۰/۱۰۷	۰/۲۵۱	۵/۶۴۷	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی درون گروهی غیرمجازی	۱/۰۰۱	۰/۹۸۰	۰/۱۶۷	۳/۴۷۸	۰/۰۳۱

همان‌طور که از جدول ۷ مشخص است و البته نتایج آن با نتایج مبانی نظری و بسیاری از مطالعات تجربی همخوانی دارد، از میان متغیرهایی که وارد معادله و تحلیل رگرسیونی شده‌اند، متغیر فرهنگ شهروندی در درجه اول از متغیر سرمایه اجتماعی برون گروهی مجازی تأثیر می‌پذیرد، این متغیر به‌تنهایی ۵۱ درصد از واریانس فرهنگ شهروندی در میان جامعه مورد مطالعه را تبیین می‌کند. به عبارتی حضور در فضای مجازی و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و پیوند با افرادی غریبه و کسانی که ارتباط نزدیک و صمیمی با آن‌ها وجود ندارد و پیوند با آن‌ها مبتنی بر اعتماد عام است، اثر معنادارتری بر ویژگی‌های فرهنگ شهروندی شهروندان داشته است. بعد از آن، متغیر وابسته از متغیر سرمایه اجتماعی برون گروهی در فضای واقعی تأثیر می‌پذیرد، این متغیر در مقایسه با سایر متغیرهای موجود در مدل حدود ۲۵ درصد از واریانس فرهنگ شهروندی در میان جامعه مورد مطالعه را تبیین می‌کند. متغیر سرمایه اجتماعی برون گروهی در فضای غیرمجازی نیز مبتنی بر پیوند با افراد از گروه‌های متفاوت و اعتماد عام و تعمیم‌یافته در فضایی غیرمجازی است که اثر معناداری بر فعالیت‌ها و باورهای شهروندی افراد بر جای گذاشته است و نهایتاً بعد درون گروهی مجازی سرمایه اجتماعی که در رتبه سوم اثرگذاری قرار دارد (۰/۱۶۷).

نتیجه‌گیری

به باور بسیاری از متفکران و علمای علم اجتماع و سیاست این مفهوم شهروند و فرهنگ شهروندی از پویاترین مفاهیم اجتماعی و فرهنگی در دنیای مدرن بوده و همچنین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی معاصر از آن یاد شده است. بر این اساس، هدف مطالعه حاضر فهم شهروندی و ارزیابی فرهنگ شهروندی مبتنی بر مفهوم سرمایه اجتماعی و به‌ویژه شکل نوظهور و اخیراً مورد توجه یعنی سرمایه اجتماعی مجازی یا سرمایه اجتماعی در فضای مجازی در شهر سنندج بوده است. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که میانگین فرهنگ شهروندی که مبتنی بر مطالعه ژانگ (۲۰۱۶) به دو بعد مشارکت مدنی و دانش مدنی تفکیک شده بود، در محدوده‌های متوسط قرار داشته است. این موضوع نشان از آن دارد که حداقل‌های فرهنگ شهروندی در میان شهروندان به چشم می‌خورد، اما چالش‌های جدی در این مسیر در حیطه عملی نمودن مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در شهر

سنندج وجود دارد. در میان ابعاد زیرمجموعه مشارکت مدنی نیز میانگین نمرات مؤلفه‌های باوری و نگرشی بیش از میانگین نمرات مؤلفه‌های رفتاری و عملی بوده است و این مهم نشان از آن دارد که پیش‌زمینه‌های ارزشی و نگرشی برای ایجاد توسعه مدنی فراهم است. این نتایج با نتایج مطالعه فتحی و ثابتی (۱۳۹۱) در مورد وضعیت ابعاد شهروندی یعنی مشارکت‌جویی، مسؤلیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت پایبندی به اصول شهروندی همخوانی کامل دارد، اما تبدیل این باورها و نگرش‌ها به رفتار نیازمند پیش‌زمینه‌ها و ساختارهایی است که در سطح استان وجود ندارد و از این‌رو شهروندان در حوزه‌های رفتاری و عملی در مؤلفه‌های قانون‌گرایی و... در وضعیت مناسبی قرار ندارد. این نتیجه با نتایج مطالعات گنجی و همکاران (۱۳۹۳) و همتی و احمدی (۱۳۹۳) همخوانی دارد و البته با پاره‌ای از مطالعات تجربی کریستوفر کلاگ و همکاران (۲۰۰۱) و جان اریک لان و سوانته ارسون (۲۰۰۲) و همچنین پاره‌ای از مطالعات نظری مانند تز دیاموند (۲۰۰۳) با توجه به تأکید این مطالعات بر نبود فرهنگ شهروندی مناسب در کشورهای جهان سوم، ناهمخوان است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیات، برآوردها و سطح معناداری نیز نشان داده است که اثر متغیر سرمایه اجتماعی (برون‌گروهی-درون‌گروهی) در فضای مجازی بر متغیر وابسته فرهنگ شهروندی معنادار بوده است. در نتیجه متغیر سرمایه اجتماعی (برون‌گروهی-درون‌گروهی) در فضای مجازی اثر معناداری بر فرهنگ شهروندی برجای گذاشته‌اند که این نتیجه با مطالعات تجربی بنت و سگربرگ (۲۰۱۱)، کارتی (۲۰۱۰)، کاوادا (۲۰۱۵)، روسا (۲۰۱۴) مبنی بر اثر حضور در فضای مجازی بر حذف محدودیت‌های نهادی، فضایی، زمانی، قانونی و ساختی موجود بر ارتباطات و تبادل اطلاعات و بهبود انجام اعمال و کنش‌های جمعی و افزایش منابع کنش و تقویت بسیج شهروندان و دموکراسی مشارکتی همخوانی و هماهنگی داشته است. همچنین با نتایج مطالعه اسکوریچ و همکاران (۲۰۰۹) در رابطه با اثر پیوندهای برون‌گروهی بر مشارکت سیاسی و گاه و پانگ (۲۰۱۶) در مورد اهمیت حضور در فضای مجازی برای مشارکت مدنی همخوانی داشته است. نتایج همچنین مؤید تئوری‌های متفکرانی مانند همپتون (۲۰۱۱) است. وی بر آن است که "تنوع شبکه فراگیر پیش‌بین مهم‌تر و مناسب‌تری از رفتارهای مدنی و شهروندی است تا پیوندهای قوی

کوچک و منسجمی که مردم را با شدت بیشتری به هم مرتبط می‌کنند" (همان: ۵۱۰). همچنین با ایده کان و کلنر (۲۰۰۴: ۹۴) با اشاره به "خرده‌فرهنگ‌های فعال آنلاین" فضای مجازی را به‌عنوان "فضای حیاتی تازه برای سیاست و فرهنگ" همخوانی دارد. همزمان بیمبر، فلاناگین و استول (۲۰۰۵) اشاره می‌کنند که تکنولوژی‌های ارتباطی با فراهم نمودن امکان "عبور از مرز خصوصی به عمومی"، انعطاف‌پذیری و استقلال بیشتری برای کنش جمعی فراهم می‌آورند.

نتایج پژوهش حاضر همچنین حاکی از ارتباط معنادار متغیر سرمایه اجتماعی برون گروهی در فضای واقعی با فرهنگ شهروندی بوده است. این نتیجه البته در میان پژوهش‌های پیشین نتایج متضادی را نشان داده است. پاره‌ای از مطالعات بر اهمیت سرمایه اجتماعی برون گروهی و نقش مثبت آن برای شهروندی و فرهنگ شهروندی تأکید کرده‌اند. در این زمینه مهم‌ترین مطالعه و ایده مربوط به رابرت پاتنام است که اثر سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بر مشارکت مدنی را مورد تأکید قرار می‌دهد. همان‌گونه که در مباحث نظری به آن اشاره شد، پاتنام سنت‌های مدنی (وجود انواع اعتماد به‌ویژه اعتماد سیاسی) را موجب مشارکت شهروندان، پیروی از قوانین و نیز ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سیاسی می‌داند. از نظر وی این عوامل به همراه درستکاری و همبستگی، «جوامع مدنی» و دموکراتیکی ایجاد کرده‌اند که از سستی، ناکارآمدی و فساد حاکم در مناطق جنوبی که از فقدان این عوامل رنج می‌برند، به دور است (پاتنام، ۱۳۷۹: ۳۹). در نهایت وی تأکید می‌کند که عامل کلیدی که جوامع برخوردار از حاکمیت مطلوب را از آن‌هایی که فاقد آن هستند متمایز می‌کند، فضیلت مدنی است (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۳۴۴). از دیدگاه پاتنام سرمایه اجتماعی نهفته در هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی پیش‌شرط توسعه اقتصادی، گسترش فرهنگ سیاسی دموکراتیک و در نهایت حاکمیت کارآمد و دموکراتیک است. علاوه بر آن، نتایج این فرضیه با مطالعات تجربی از جمله مطالعات همتی و احمدی و پاتنام و وولکاک (۲۰۰۱) همخوانی دارد. اما در این میان مطالعاتی نیز بوده‌اند که بر نقش تا حدودی نامناسب سرمایه اجتماعی در فضای واقعی برای ترویج فرهنگ شهروندی و در نتیجه گسترش دموکراسی تأکید نموده‌اند. در مجموع، نتایج این پژوهش بر وجود یک

رابطه خطی و مستقیم بین ابعاد مختلف سه‌گانه از چهار بعد سرمایه اجتماعی با فرهنگ شهروندی حکایت دارد.

نتایج تجربی مطالعه حاضر را به لحاظ جامعه‌شناختی در چند بند، می‌توان این‌گونه تفسیر نمود: نخست آنکه با ظهور جامعه شبکه‌ای و فضای اجتماعی مجازی، شکل، محتوا و کیفیت تعاملات انسانی و به تبع آن کنش‌های مدنی و سیاسی دچار تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای شده است که مطالعه و تحلیل آن‌ها مبتنی بر مبانی نظری پیشین تا حدودی دشوار و ناممکن است. از این‌رو در کنش‌های مدنی و سیاسی سخن از "مشارکت نامتعارف" از سوی اینلگه‌ه‌ارت و سایر متفکران (۲۰۰۵: ۲۰۰۹) به درستی تأکید بر روندی است که در آن نوع کنش‌های مدنی از شکل‌های متعارف خود (از جمله حضور در احزاب و کنش‌های مدنی حزبی و سخت) فاصله گرفته است و وجه غالب حداقل در جوامع غربی صورت تازه‌ای از کنش مدنی است که مبتنی بر ارتباطات مجازی و کنش‌ها و فعالیت‌های بی‌نیاز از پیوندهای منظم و ثابت شکل گرفته است و این روندی است که با رشد جامعه شبکه‌ای در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران نیز در حال گسترش است. نشانه‌ها و مصداق‌های چنین روندی کنش‌های مدنی در حوزه‌های زیست‌محیطی در جوامع مختلف به‌ویژه جامعه ایران و کردستان است که در مواردی به موفقیت‌هایی دست یافته است. از این منظر، نهادینه کردن و توسعه فرهنگ شهروندی در فضای جدید نیازمند اصلاح راهبردهای آموزشی و نو‌نگری در شیوه‌ها و کیفیت آموزش است. در این شکل جدید، وجه جدیدی از سرمایه اجتماعی و نوع شکل تازه‌ای از اعتماد به‌ویژه اعتماد تعمیم‌یافته برای ترویج و توسعه فرهنگ شهروندی و مجراهای آن مورد نیاز است. به هر روی، اگرچه میزان مشارکت اجتماعی به‌مثابه نمود فرهنگ شهروندی به میزان زیادی متکی بر اعتماد به دولت و ساختار سیاسی است، اما آگاهی‌هایی که منجر به مشارکت اجتماعی و رشد فرهنگ شهروندی می‌شود را می‌توان از طریق مجراهای جدید در حوزه سرمایه اجتماعی در فضای مجازی تقویت نمود.

منابع

- توسلی، غلام عباس؛ نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۲). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲.

- جهانگیری، رضا. (۱۳۸۱). شهرنشینی و شهروندی. **چکیده مقالات همایش راهکارهای توسعه فرهنگ شهروندی**. انتشارات محبان.
- حسنی، محمد؛ موسوی، میرنجف؛ حبی قراتپه، سکینه. (۱۳۹۱). سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه ارزش‌ها و هنجارها. (مطالعه موردی: دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه ارومیه)، **فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، دوره ۲، شماره ۳.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۰). **اخلاق شهروندی. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران**. شماره پنج، ناشر: موسسه نشر کلمه. رابرتسون، - - رابرت، ۱۳۸۲، جهانی‌شدن، ترجمه: کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
- ریشه، گی. (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز**، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران انتشارات تبیان.
- شربتیان، محمدحسین. (۱۳۸۷). تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن، **فصلنامه فرهنگی پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی**، شماره ۸ و ۹، سال دوم و سوم.
- صالحی‌امیری، رضا. (۱۳۸۹). **مجموعه مقالات مدیریت و برنامه‌ریزی شهری**، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- عاملی، سعید. (۱۳۸۰). تعامل جهانی‌شدن، شهروندی و دین، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۸.
- غفاری نسب، اسفندیار. (۱۳۹۱). نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری، **فصلنامه مطالعات شهری**، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۱.
- فاطمی‌نیا، سیاوش. (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال هفتم، شماره ۲۶.
- فالکس، کیث. (۱۳۸۱). **شهروندی**، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- فتحی، سروش؛ ثابتی، مریم. (۱۳۹۱). توسعه ساختار سازمانی شهری و گسترش فرهنگ شهروندی، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، (مطالعات شهری)، دوره ۲، شماره ۲.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). **انسان‌شناسی شهری**، تهران، نشر نی.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن؛ عسکری کویری، اسما. (۱۳۹۳). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی، **فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، سال چهارم، شماره دوازدهم.
- مهدی زاده، جواد. (۱۳۸۶). نقش شوراها در بهبود فرهنگ شهرنشینی، **ماهنامه اطلاع‌رسانی شوراها**، سال دوم، شماره ۹.
- نامی، داود. (۱۳۸۴). **هویت پویای شهروندی**، تهران: نشریه اعتماد.
- هاشمیان فر، سیدعلی؛ عجمی، شهرزاد. (۱۳۹۱). بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان، **مطالعات شهری**، سال دو، شماره ۳.
- هاشمیان فر، سید علی؛ گنجی، محمد. (۱۳۸۸). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، **فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی**، شماره ۳۳.
- همتی، رضا؛ احمدی، وکیل. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده آن. (مورد مطالعه: شهر ایوان)، **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۱۸.

سرمایه اجتماعی (آنلاین و آفلاین) و فرهنگ ... ۱۳۱

– نقی زاده، محمد. (۱۳۸۴). نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، تهران: شماره ۱۸۳.

- Akshy, E., Messing, S., & Adamic, L. (2015). Exposure to ideologically diverse news and opinion on Facebook. *Science*, 348, 1130–1132.
- Beaman, J. (2013). French in the eyes of others: cultural citizenship, marginalization, and France's middle-class North African second-generation, European University Institute, Max Weber Program, Italy, EUI Working Paper.
- Beaman, Jean. (2016). Citizenship as cultural: Towards a theory of cultural citizenship, *Sociology Compass*; Vol 10: 849–857.
- Bennett, W. L., Segerberg, A., & Walker, S. (2014). Organization in the crowd: Peer production in large-scale networked protests. *Information, Communication & Society*, 17(2), 232–260.
- Bimber, B., Stohl, C., & Flanagin, A. J. (2009). Technological change and the shifting nature of political organization. In A. Chadwick & P. N. Howard (Eds), *The Routledge handbook of Internet politics* (pp. 72–85). New York, NY: Routledge.
- Bode, L. (2012). Facebooking it to the polls: A study in online social networking and political behavior. *Journal of Information Technology & Politics*, 9(4), 352–369.
- Bode, L., Vraga, E. K., Borah, P., & Shah, D. V. (2014). A new space for political behavior: Political social networking and its democratic consequences. *Journal of Computer-Mediated*.
- Cohen, M. (2010). T.H. Marshall's 'Citizenship and social class. Dissent magazine, www.dissentmagazine.org.
- Denk, Thomas; Christensen, Henrik. (2016). How to classify political cultures? A comparison of three methods of classification, *Quality and Quantity Journal*.
- Earl, J., & Kimport, K. (2011). *Digitally enabled social change: Activism in the internet age*. Cambridge: MIT Press.
- Effing, R; Hillegersberg, J; Huibers, T. (2011). Social Media and Political Participation: Are Facebook, Twitter and YouTube Democratizing Our Political Systems?, *International Federation for Information Processing*, pp. 25–35.
- Fernandez, Jesica. (2015). Latina/o Youth Cultural Citizenship: Re-Conceptualizing Dominant Constructions of Citizenship through Membership, Sense of Belonging, Claiming Space and Rights, Ph.D., Psychology (Latin American and Latino Studies), UC Santa Cruz.

- Gil de Zúñiga, H; Barnidge, M & Scherman, A. (2017). Social Media Social Capital, Offline Social Capital, and Citizenship: Exploring Asymmetrical Social Capital Effects, *Journal of Political Communication*, Volume 34, Issue 1, Pages: 44-68.
- Granovetter, M. (1983). The strength of weak ties: A network theory revisited. *Sociological Theory*, 1, 201–233.
- Hamatt, D and L. Staeheli. (2011). Respect and Responsibility: Teaching Citizenship in South Africa High Schools, *International Journal of Educational Development*, 31.
- Hampton, K. N. (2003). Grieving for a lost network: Collective action in a wired suburb. *The Information Society*, 19(5), 417–428.
- Hampton, K. N. (2011). Comparing bonding and bridging ties for democratic engagement. *Information, Communication & Society*, 14, 510–528.
- Haythornthwaite, C. (2002). Strong, weak, and latent ties and the impact of new media. *The Information Society*, 18(5), 385–401.
- Kahn, R., & Kellner, D. (2004). New media and Internet activism: From the “Battle of Seattle” to blogging. *New Media & Society*, 6(1), 87–95.
- Kavada, A. (2015). Creating the collective: Social media, the Occupy Movement and its constitution as a collective actor. *Information, Communication & Society*, 18, 872–886.
- Leti Volpp. (2007). "The Culture of Citizenship" *Theoretical Inquiries in Law* Vol. 8 p. 571-585.
- Leti Volpp. (2011). "Denaturalizing Citizenship: A Symposium on Linda Bosniak's The Citizen and the Alien and Ayelet Shachar's The Birthright Lottery" *Issues in Legal Scholarship* Vol. 9 Iss. 1.
- Pinkett, R. (2003). Community technology and community building: Early results from the Creating Community Connections Project. *The Information Society*, 19(5), 365–379.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster.
- Rosa, A. L. (2014). Social media and social movements around the world. In B. Patrut & M. Patrut (Eds.), *Social media in politics: Case studies on the political power of social media* (pp. 35–47). London, England: Springer.
- Skoric, M., M., Ying, D., Ng, Y., (2009). "Bowling Online, Not Alone: Online Social Capital and Political Participation in Singapore", *Journal of Computer Mediated Communication*, 14: pp. 414–433.

- Skoric, M. M., & Zhu, Q. (2015). Social media and offline political participation: Uncovering the paths from digital to physical. *International Journal of Public Opinion Research*.
- Stevenson, N. (2001). *Culture and Citizenship*. London: Sage Publications, Ltd.
- Turner, J. (1999). *Sociology of Citizenship*, London, Sage.
- Valenzuela, S. (2013). Unpacking the use of social media for protest behavior: The roles of information, opinion expression, and activism. *American Behavioral Scientist*, 57, 920–942.
- Valenzuela, S., Park, N., & Kee, K. F. (2009). Is there social capital in a social network site? Facebook use and college students' life satisfaction, trust, and participation. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 14, 875–901.
- Williams, D. (2006). On and off the 'net: Scales for social capital in an online era. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 11(2), article 11.
- Zhao, W., Jiang, J., Weng, J., He, J., Lim, E.-P., Yan, H., & Li, X. (2011). Comparing Twitter and traditional media using topic models advances in information retrieval. *Lecture Notes in Computer Science*, 6611, 338-349. Doi: 10.1007/978-3-642-20161-5_34.